

سیاست‌های مالیاتی، محدودیت‌های بازرگانی و قوانین حقوقی این برنامه‌ها به منظور آماده‌سازی و بسترسازی لازم برای شرکت‌های کوچک و متوسط با توجه به جهانی شدن اقتصاد، علاوه بر حفظ موقعیت کنونی، سهم خود را در بازارهای جهانی افزایش داد.

در پایان باید گفت توسعه صنایع کوچک و تکنولوژی‌های متوسط، می‌تواند به عنوان استراتژی مناسب برای کشور ما مطرح باشد و از طریق رفع فقر، افزایش درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی انسانی غیر ماهر، انباشت سرمایه از طریق افزایش بازدهی، بهبود بهره‌وری در بخش روستایی و همچنین از طریق جلوگیری از گسترش شهرنشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه به فرآیند توسعه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی کمک نموده و رشد اقتصادی کشور را تسریع بخشد. ■

تورم تاکنون بسیاری از صنایع و محیط کسب‌وکار ما را با چالش مواجه کرده است؛ هرچند پایین بودن نرخ ورود صنایع کوچک به بازار و مشخص نبودن نرخ واقعی خروج از آن و نبود نظام پشتیبانی از کارآفرینی و نوآوران را هم نباید فراموش کرد.

اگر تجربه کشورهای موفق و پیشرو در این عرصه را که در سازماندهی صنایع کوچک به موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای دست یافته‌اند مورد توجه قرار دهیم، درخواهیم یافت که ما نیز ملزم به کار و کوشش همگانی و اقدامات اساسی در نظریه‌پردازی و ارایه راهکارهای مناسب و منطقی برای ساماندهی صنایع کشور خود هستیم.

در این راستا می‌توان با اتخاذ راهکارها و تدوین برنامه‌های کلیدی نظیر انتقال فن‌آوری به این شرکت‌ها، ارتقای منابع انسانی صنایع، بازرگاری

لزوم بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار

در انتظار دنیا

تحلیل دکتر عسگر پاک‌مرام، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور از جهانی شدن بازار سرمایه کشور



مدل از بورس‌ها نقش بسیار مهمی دارند. ورود شرکت‌های ایرانی به بورس‌های پورتفولیوی خارجی اگرچه سرمایه‌گذاران خارجی را از حضور در ایران بی‌نیاز می‌کند، ولی

در مقابل، هر سرمایه‌گذار خارجی با هر ملیت، نژاد و وابستگی‌های دیگر می‌تواند سهام شرکت‌های ایرانی را در بورس‌های خارجی خریداری کند.

در این راستا می‌توان با ارایه راهکارها، زمینه‌های دستیابی به بازارهای سرمایه بین‌المللی را هموار کرد. مهمترین این پیشنهادها موارد زیر را در بر می‌گیرد.

• اجازه ورود به خارجیان در بازار اوراق بهادار ایران برای انجام معاملات در این بازار - به صورتی که ورود و خروج سرمایه و انتقال سود سهام در بانک مرکزی ثبت شود - مثبت ارزیابی می‌شود.

• امکان خرید سهام شرکت‌ها توسط خارجیان در محدوده درصد معینی که در صنایع مختلف متفاوت خواهد بود، قابل اعمال باشد. به عبارت دیگر، خرید اوراق سهام بنگاه‌ها از درصد معینی از دارایی آنان، در مرحله اول تجاوز نکند و فقط طبق برنامه‌ای که به تصویب بانک مرکزی یا مقام کنترل‌کننده بازار سرمایه خواهد رسید، قابل افزایش باشد. در این زمینه باید انعطاف لازم با توجه به شرایط بازار سرمایه کشور، در نظر گرفته شود.

• از آنجا که کشورمان برای توسعه اقتصادی خود به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم (FDI) نیازمند است، جریان سرمایه در بازار اوراق بهادار در کوتاه‌مدت کمک چندانی به توسعه اقتصادی کشور نخواهد کرد، لیکن تأثیر مهم آن، کاهش هزینه ریسک و در نهایت، کاهش هزینه دسترسی به سرمایه خواهد بود که در موقعیت فعلی برای ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری در کشور از اهمیت زیادی برخوردار است.

• در بلندمدت، آزادسازی بازار سرمایه از ضروریات آزادسازی اقتصاد کشور خواهد بود.

• باتوجه به این که آزادسازی بازار سرمایه در کشور بسیار حساس است، تدوین برنامه‌ای برای اجرای این مهم و کنترل بازار سرمایه و تنظیم بازار اوراق بهادار

جهانی شدن و جهانی‌سازی پدیده‌ای چند بُعدی، فرآیندی و چالش‌برانگیز است که نه در یک بُعد خاص، بلکه در ابعاد گوناگون در حال شکل‌گیری و تکوین بوده و ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهمترین چالش ناشی از پدیده جهانی شدن، شکسته شدن قالب‌های موجود، گسسته شدن انحصارها و پیدایش فضای رقابتی شدید در سطح جهان است و همه نظام‌های اقتصادی و مالی برای تداوم حضور خود در عرصه جهانی، ناگزیر خواهند بود در جهت تأمین الزامات رقابتی شدن و کسب مزیت رقابتی لازم تلاش کنند. یکی از پدیده‌های بسیار قابل توجه دهه اخیر در اقتصاد جهانی، ادغام رو به تزاید اقتصادها در سطح جهان است. از میان نیروهای ادغام‌کننده اقتصاد جهانی، می‌توان به تجارت فرامرزی اشاره کرد. فشار ناشی از توسعه تکنولوژی بر فرآیند جهانی شدن در دو دهه گذشته، باعث تغییر در ساختار بازارها شده است.

دلایل اصلی بین‌المللی کردن بورس اوراق بهادار

اگر بخواهیم در جهان جایگاه ممتازی داشته باشیم و منابع کافی برای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سرمایه‌گذاری‌های جدید جذب کنیم، بین‌المللی کردن بورس می‌تواند راهگشا باشد. همچنین - به صورتی متقابل - حضور شرکت‌های ایرانی در بورس‌های جهان از چند جهت حایز اهمیت است. با ورود شرکت‌های ایرانی به بورس و بازارهای جهانی، دانش فنی و همچنین سطح بورس، استانداردهای مدیریتی و راهبردی شرکت‌های داخلی افزایش می‌یابد و این امر به افزایش شفافیت و بهبود مدیریت شرکت‌ها خواهد انجامید. این شرکت‌ها به لحاظ تحلیل مالی و مدیریت سرمایه‌گذاری زیر ذره‌بین صدها سرمایه‌گذار از بورس‌های مختلف دنیا خواهند بود و در نهایت، تحلیل جهانی در بهبود کشف قیمت‌ها نقش اساسی خواهند داشت. از لحاظ اقتصاد ملی، مهمترین مزیت ورود به بورس‌های خارجی، دسترسی به منابع مالی بین‌المللی است. الزامات ایجاد بورس بین‌المللی نیازمند توانایی‌های خاص، زیرساخت‌ها و شناخت درست از بازار است. ترکیب صحیحی از عوامل اقتصادی، سیاسی، قانونی، مالیاتی، تکنولوژیکی و جامعه‌شناختی در شکل‌گیری صحیح و موفق این

ضروری است.

• ایجاد بازارهای اولیه برای جمع‌آوری سرمایه توسط سرمایه‌گذاران، اهمیت بسیار دارد. بدون ایجاد بازار اولیه، تأمین مالی از اوراق بهادار، عملاً غیرممکن خواهد بود.

جهانی شدن چه ضرورتی تاریخی و خودجوش باشد و چه پروژه‌ای برنامه‌ریزی شده و تحمیلی، واقعیتی است که پیش روی جهانیان قرار دارد و فرصت بازیگری در این میدان به روی همه جوامع باز است. در این میدان، هم فرصت فراوان است هم خطر. هر جامعه که توانایی به خدمت گرفتن ابزارهای موجود و استعدادهای بالقوه خود را در چارچوب مرزهای ملی داشته باشد و شیوه به کارگیری آن را در رابطه با دیگر کشورها به گونه‌ای سازگار با شرایط و مقتضیات جهان قرن بیست و یکم بداند، قابلیت بازیگری موفقیت‌آمیز در این میدان را خواهد داشت. در حال حاضر، بازار سرمایه ایران بایستی نقش مناسب و شایسته‌ای در تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها ایفا کند و در صورت بی‌توجهی به این بخش، نباید انتظار داشته باشیم سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی به گونه‌ای مناسب اجرا شوند. بازارهای سرمایه بسیار شناور و سیال‌اند و بحران در هر

بخش کشور و یا از کشوری خارجی می‌تواند به راحتی به کشور دیگر منتقل شود. در سطح خرد، بازارهای اوراق بهادار هنوز نیازمند ساختارهای مالی و قانونی بهتر هستند و بسیاری از بازارهای مالی در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران نیاز به بهبود دارند. بنابراین، هدف ما در بورس اوراق بهادار باید تقویت ارتباط با بورس‌های دیگر دنیا باشد تا با آنها فعالیت‌های مشترک داشته و سعی کنیم به مقررات و شیوه‌های نظارتی آنها نزدیک شویم. همچنین بهتر است بازارها از کارآمدی لازم برخوردار باشند، زیرا در بازارهای مالی کارآمد، قیمت‌ها بازتابی از کل اطلاعات گردآوری شده به وسیله همه دست‌اندرکاران بازار است. در نهایت می‌توان گفت لازم است در بازار سرمایه ایران، اقدامات زیر صورت پذیرد: حذف تشریفات غیرضروری، تشدید روند نهادی شدن بازار مالی، ایجاد ابزارهای مالی بازساز در بازار سرمایه کشور، پیشرفت تکنولوژی و ابزارهای اطلاع‌رسانی برای استفاده‌کنندگان و سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه، نوین‌سازی بیمه و ابزارهای کاهش خطر برای سرمایه‌گذاران، ایجاد بازارگردان‌ها و توسعه آنها در بازار بورس، توسعه سیدگردان‌ها در بورس، بین‌المللی نمودن شرکت‌های تأمین سرمایه، ایجاد فرهنگ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بر روی آن در بازار سرمایه ایران. ■

روند خصوصی‌سازی در ایران

چاله‌چوله‌های خصوصی‌سازی



نگاه دکتر شاهین شایان آرانی، کارشناس و تحلیل‌گر مسایل بازار سرمایه

بحث خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از ریشه‌های مبانی اقتصادی در تمامی کشورهای دنیا همواره مطرح بوده است. با گذشت زمان، کشورهایی که اقتصاد متمرکز و دولتی داشتند - که شامل ایران هم می‌شود - به این نتیجه رسیده‌اند که تغییر این نظام اقتصادی و واگذاری بخش‌های دولتی به بخش خصوصی لازم و اجتناب‌ناپذیر است. در واقع باید مدیریت دولتی و متمرکز به بخش خصوصی منتقل شود و دولت صرفاً نقش نظارتی و جهت‌دهی کلان را ایفا نماید. از موارد دخالت دولت، می‌توان به بحران جهانی حاضر اشاره کرد. در این شرایط در بسیاری از کشورهایی که نظام خصوصی بر اقتصاد آنها حاکم است، دولت صرفاً جهت مدیریت وضعیت بحران وارد اقتصاد شده و این اقدام، نفی‌کننده نظریات خصوصی‌سازی نیست. در این کشورها بعد از حل معضل بحران اقتصادی، دولت کنار رفته و دوباره نظام خصوصی حاکم خواهد شد.

دلایل ضرورت خصوصی‌سازی و این که دولت نباید در فعالیت‌های اقتصادی، مدیریتی و مالکیت شرکت‌ها نقش داشته باشد را می‌توان در مواردی همچون ایجاد انگیزه، افزایش بهره‌وری، افزایش توانایی شرکت‌ها در مدیریت دارایی‌ها، بدهی‌ها، هزینه‌ها و درآمدها در راستای کارایی و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی بالاتر خلاصه نمود.

متأسفانه اقتصاد ایران کاملاً دولتی است و در واقع این موضوع، یکی از مهمترین دلایل عدم بهره‌وری مناسب در کشور می‌باشد. البته خوشبختانه لزوم اجرای خصوصی‌سازی در ایران کاملاً جا افتاده است و فقط بحث بر سر نحوه اجرای خصوصی‌سازی است. برای واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی در هر کشوری، یک سری شرایط و امکانات لازم است. با وجود اصل ۴۴ قانون اساسی به عنوان یک اصل کامل و پویا، فضای قانونی و اجرایی خصوصی‌سازی در کشور فراهم بوده و در بخش عرضه مشکلی وجود ندارد. حال این عرضه نیازمند

یک فضای مناسب خواهد بود که در ایران فضای مذکور، بورس اوراق بهادار می‌باشد. فضای بورس ایران علیرغم اقدامات صورت گرفته جهت بهبود آن، هنوز به حدی نرسیده که ظرفیت اجرا و مدیریت حجم عظیم معاملات خصوصی‌سازی را داشته باشد.

از طرف دیگر، نبود تقاضا در فرآیند خصوصی‌سازی مذکور (یعنی عدم وجود فرهنگ خصوصی‌سازی و رونق بخش خصوصی) مهمترین مشکل در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی کشور است، بنابراین بایستی در جهت رونق تقاضا و همچنین ایجاد فضای مناسب‌تر و کارآتر (یعنی یک فضای عملیاتی و مدیریتی برای عرضه سهام شرکت‌های دولتی از طریق مکانیزمی همچون بورس) حرکت کنیم.

گفتنی است در اصل ۴۴ و سند چشم‌انداز، اهداف بسیار خوب و مناسبی در نظر گرفته شده است و در واقع از نظر قانون و تعیین مقصد، مشکل و ضعفی وجود ندارد، ولی در جواب این که آیا خصوصی‌سازی توانسته در راستای تحقق این اهداف حرکت کند یا خیر، به دلایلی همچون عدم وجود فضای مناسب و واگذاری، فرهنگ خصوصی‌سازی و همچنین نبود تقاضا، پاسخ به این سؤال منفی است. چرا که تا زمانی که سازمان خصوصی‌سازی به عنوان جزئی از یک وزارتخانه باشد، مسلماً به اندازه کافی به آن پرداخته نمی‌شود و نمی‌توان به رشد سریع آن امیدوار بود. در صورتی که باید این سازمان به صورت یک نهاد مستقل و دارای اختیارات کامل درآمد و همچنین سه قوه ملزم به همکاری با آن باشند، چرا که خصوصی‌سازی در ایران حجم عظیمی از معاملات و انتقالات را شامل می‌شود که امکان اجرای موفق آن از طریق یک نهاد قدرتمند و مستقل امکان‌پذیر خواهد بود.